

دوباره شگفت‌زده شدیم!

۳- هیات‌رییسه مجلس معتقد است؛ وزیر جدید وزارتخانه ادغام شده نفت و نیرو باید برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی شود. قرار است در چند روز آینده طرح استفسار به ماده ۵۳ قانون برنامه پنجم در صحن مجلس مطرح شود تا با تفسیر این ماده، دولت مکلف به معرفی وزیر برای وزارت جدید انرژی شود. اگر این اتفاق رخ دهد احتمال معرفی مجید نامجو برای وزارتخانه جدید کمتر می‌شود. چه، استیضاح تازهاش را تنها یا دو، سه رای از سر گذراند. آنچه مسلم است فعلا باید گفت: خداحافظ آقای میر کاظمی!

۴- روزی از یکی از وزرای نفت، وقتی که دیگر مسوولیتی نداشت درباره ریشه مقاومت نفتی‌ها و گاهی دولت‌ها در برابر اصلاح اساسنامه شرکت ملی نفت پرسیدیم. پاسخش کوتاه و قابل تامل بود: «باید گذاشت شرکت ملی نفت، نفت تولید کند، به رغم اعمال نظارت، نباید خیلی کاری به کارش داشت». او هراس داشت که هر دولتی سلیقه‌ای بیاورد، شرکت نفت دستخوش سلاقی شود. «ساختار نفت» جزیره‌ای جدا از دولت نیست که برای «همه‌ملت» است. پس هر ساختاری برای آن جز آنچه باعث افزایش تولید نفت و گاز و صیانت از مخازن نفتی باشد ساختار اشتباهی است و گاه مقاومت‌ها در برابر تغییرات ساختاری از عدم اطمینان از تحصیل این «رکن نفت» است.

۵- موضوع ادغام وزارتخانه‌های نفت و نیرو از دولت‌های پیش مطرح بود. اما هر بار به دلیل به نتیجه نرسیدن مباحث کارشناسی کنار ماند. از سوی دیگر، کوچک کردن دولت تکلیف قانون برنامه پنجم است. دولت باید عدد وزارتخانه‌هایش را از ۲۱ به ۱۷ برساند. پس «لاره و ترابری را با مینک»، «صنایع را با بازرگانی»، «کار و امور اجتماعی را با رفاه و تامین اجتماعی» و «نفت را با نیرو» ادغام کرد. اما آیا برای ادغام این آخری به اندازه وزنش وقت صرف شده است؟! یا این ادغام قرار است بخش آب وزارت نیرو به وزارت جهاد و کشاورزی و بخش برق و انرژی‌های نو به وزارت نفت منتقل شود که اساسا اشتباه نیست، اما با شرط وشرایطی.

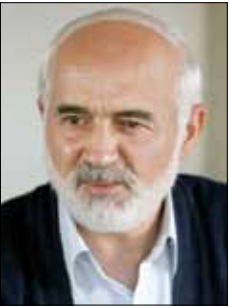
۶- طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و بسیاری از صنایع پایین‌دستی نفت و گاز باید خصوصی شوند. اگر ابتدا این اتفاق می افتاد و پس از آن وزارتخانه‌های نفت و نیرو در هم ادغام می‌شدند کار صحیح‌تری بود چه، اهم وظیفه وزارت نفت سیاست‌گذاری در حوزه باادست‌ی و اعمال حق مالکیتی بر مخازن نفت و گاز کشور است. اما حالا این اهام هم وجود دارد که تکلیف قانون تازه، نفت و گاز چه خواهد شد؟ قانونی که هنوز از شورای نگهبان باز نگشته با وزارتخانه‌ای وره‌ور شده که بخشی از وظایفش در قانون دیده نشده است. آیا هبات عالی جدیدالتاسیس نظارت بر نفت و گاز، برای برق هم سیاست‌گذاری خواهد کرد؟!

۷- جای یک سوال مهم اینجا خالی است. تکلیف اساسنامه‌ای که وزارت نفت بارها از تکمیل و ارسال آن به دولت خبر داده است چه می‌شود؟ پیش از این بنا بود با تصویب اساسنامه جدید، شرکت‌های هلدینگ نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش و پخش تشکیل شود. آیا هلدینگ برق هم به آن اضافه خواهد شد؟! باید طرح دولت برای این ادغام روشن شود تا بتوان پاسخخی بر اینها یافت. از جمله می توان حدس زد معاونت ستادی برق وزارت نیرو در شرکت توانیر ادغام شود و الگوی شبه شرکت‌های پخش و پالایش بگیرد.

۸- اگر وزارتخانه جدید تشکیل شود نام نفت نباید از آن جدا باشد که هویت اصلی این وزارتخانه است. «وزارت انرژی» گویای وظایف اصلی وزارتخانه تازه تاسیس نخواهد بود. پس «وزارت نفت و انرژی» برانده‌تر است. انتظار از مجموعه دولت این است که اجرای مصوبه ادغام دو وزارتخانه‌اش را با تانی بیشتر پیش برد که در نظیر نگرفتن همه جوانب، خسران زاست. فعلا که شگفت زده مانده‌ایم و چشم انتظار که تکلیف وزارتخانه جدیدی که قرار است اقتصاد را می‌چرخاند و همه انرژی کشور را تامین کند (غیر از انرژی هسته‌ای) چه خواهد شد و وزیر نفت و انرژی کشور کیست؟ بی تدبیری در این ادغام خسارت کلانی برای کشور داشت...

هشدار رییس مرکز پژوهش‌های مجلس:

در انتظار تورم ۴۰ درصدی باشید



احمد توکلی، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس در یادداشتی با عنوان «هدفمند کردن یارانه‌ها، پیشنهاد دولت، تصمیم مجلس» ضمن برشمردن تبعات منفی افزایش دوباره قیمت‌ها در سال جاری و پذیرش پیشنهادهای دولت درباره هدفمندی یارانه‌ها نسبت به تورم حداقل ۴۰ درصدی در سال جاری هشدار داد.

به گزارش شرق، احمد توکلی در این یادداشت که برای رسانه‌ها سال کرده، می‌نویسد: همه به یاد داریم که در اواخر

سال ۱۳۸۸ بعد از مدت‌ها رفت و برگشت بین دولت و مجلس، سر انجام قانون هدفمند کردن یارانه‌ها با جلب رضایت حداکثری دولت به تصویب رسید و به دولت ابلاغ شد. در سال ۱۳۸۹ دولت از اول دی ماه، با پرداخت یارانه نقدی به خانوارها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی و نان اجرای قانون را آغاز کرد. البته دولت چندین ماده از قانونی را که خود خواسته بود، نقض کرد:

۱. دولت مکلف بود تدریج را در افزایش قیمت بنزین، گازویل، گاز، برق... و نان رعایت کند، نکرد.
۲. دولت مکلف بود ۳۰ درصد در آمد حاصل از افزایش قیمت‌ها را برای جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران به آنها اختصاص دهد، ولی فقط یک‌هشتم آن را داد.
۳. دولت مجاز بود ۲۰ درصد از درآمدهای به دست آمده را به بودجه عمومی دولت تخصیص دهد، نداد.
۴. دولت مجاز بود «حداکثر تا ۵۰ درصد» از درآمد حاصل شده را به خانوارها اختصاص دهد، تقریبا همه درآمد را به این کار اختصاص داد.
۵. قرار بود پرداخت نقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار باشد، همه را مساوی پرداخت.
۶. قرار بود سهمی را که به خانوارها تخصیص می‌دهد علاوه بر پرداخت نقدی، برای تامین اجتماعی نیز صرف کند، ولی همه را صرف یارانه نقدی کرد.
۷. قرار بود از هیچ محل دیگری از بودجه کل کشور برای این پرداخت‌ها استفاده نکند، ولی با بالا گرفتن مبلغ نقدی پرداختی، پول کم آورد و از منابع دیگر بودجه استفاده کرد.

به این ترتیب دولت در ۹ مورد حکم قانون را زیر پا گذاشت و در دو مورد نیز روح آن را نادیده گرفت. در لایحه بودجه ۱۳۹۰ که پس از ۸۰ روز تأخیر تقدیم مجلس شد، دولت در آمد حاصل از هدفمند کردن در سال ۱۳۹۰ را مبلغ ۶۲ هزار میلیارد تومان در نظر گرفت. کمیسیون تلفیق نیز همین مبلغ را پذیرفت. تلاش برای تجدید رای نیز، از طریق که این‌نامه اجازه می‌داد، میسر نگشت. این روند در حالی اتفاق می‌افتاد که طرفداران پیشنهاد دولت می‌دانستند که زمینه تصویب آن در صحن بسیار محدود است. مجلس با حمایت چشمگیری، از ۱۶۳ رای موافق تصویب کرد که در سال ۱۳۹۰ حداکثر افزایش بودجه در این عرصه ۲۰ درصد باشد. در پی این تصویب در تذکری به ریاست محترم مجلس عرض شد که کمیسیون تلفیق حال باید در آمد قابل اکتساب را بر آورد کند و طبق ماده ۱۲ قانون هدفمندسازی یک ردیف در آمدی و چهار ردیف هزینه‌ای بر اساس سهم‌های تعیین شده در قانون مزبور و قانون برنامه پنجم، در جدول‌های بودجه بگنجانند تا دولت از سقف سهم هر قسمت تجاوز نکند و اصل ۵۳ و ۵۵ قانون اساسی نیز رعایت شود. رییس مجلس پذیرفت و برای این مقصود، موضوع را به تلفیق ار جاع داد. متأسفانه در تاریخ چهارشنبه ۹۰/۲/۱۴ گزارش کمیسیون که به صحن آمد، کمیسیون به جای انجام وظیفه تکمیلی و تبیی خوشی، احکام تازه‌ای را برای اجرای پیشنهاد به قانون بودجه ارایه کرد که تقسیم در آمد کانتسابی از افزایش قیمت‌ها را به نفع پرداخت نقدی و به زیان تولید، دولت و بخش بهداشت و درمان عوض می‌کرد. به خلاف ماده هشت قانون هدفمندسازی سهم بخش تولید را از ۳۰ درصد به ۲۰ درصد تقلیل می‌داد، سهم دولت را به صفر می‌رساند و تمام ۲۰ درصد سهم بودجه عمومی دولت و نقد علمی و قانونی تولید را در پرداخت نقدی اختصاص می‌داد. به این ترتیب سهم پرداخت نقدی

۸۰ درصد و سهم تولید ۲۰ درصد به بخش بهداشت و درمان نیز که بعد از تصویب برنامه پنج‌ساله باید ۱۰ درصد از درآمد، قبل از تسهیم بین خانوارها- بنگاه‌های تولیدی و دولت، به آن می‌رسید، از این درآمد تخصیص داده نشده بود. در عوض کمیسیون حکم جدیدی در پیشنهاد جدیدش داشت که معادل یک میلیارد دلار سهم بهداشت و درمان اضافه شود. ابتدا به رییس مجلس تذکر داده شد که کار

کمیسیون کاملا غیر قانونی است. رییس مجلس در پاسخ ضمن وارد دانستن تذکر اضافه کرد چون با تصمیم مهار شدید افزایش قیمت‌ها در آمد زیادی به دست نمی‌آید تا تعهد دولت برای دادن هر نفر ۴۴۵۰۰ تومان اجرایی شود، کمیسیون آن سهم‌بندی قانون را عوض کرد. در نتیجه در اقدامی غیر قانونی، کنار گذاشتن پیشنهاد غیر قانونی کمیسیون را نپذیرفت.

بنده حذف پیشنهاد کمیسیون تلفیق را در خواست کردم. خلاصه دلایل بنده این بود. ۱) این تصمیم تلفیق که با هماهنگی دولت صورت گرفته است، غیر قانونی است و قابل طرح نیست ولی من از سرناچاری پیشنهاد حذف‌داهم.

۲) علاوه بر آن، حکمتی که آقای رییس برای جعل آن بیان کردند نیز با این احکام به دست نخواهد آمد، زیرا طبق برآورد مرکز پژوهش‌ها که با داده‌های خام دولت انجام شده است، درآمد قابل اکتساب، حدود ۳۱۷۰۰ میلیارد تومان است. از این درآمد که ناخالص است عوارض و مالیات‌های ۱۰ تا ۲۰ درصدی قانونی حاصل از فروش حامل‌های انرژی و مالیات چهار درصدی ارزش افزوده و هزینه‌های دیگر کسر می‌شود و به طور خالص ۲۸۷۰۰ میلیارد تومان در آمد می‌ماند حالا ۲۰ درصد تولید را که حدودا ۵۷۵۰ میلیارد تومان می‌شود از آن کسر کنیم، ۸۰ درصد بقیه تقریبا ۲۳ هزار میلیارد تومان می‌شود که طبق تصمیم غلط پیشنهادی سهم خانواده‌هاست. اگر خواهیم کار غیر قانونی دولت در پرداخت ۴۵۰۰ تومان هر ماه به هر نفر (بدون یارانه‌نان) را ببرد داریم، با توجه به آمار بن‌تنام‌کننده آن جدید ۲۲ میلیون نفر ند به گفته

آقای دکتر فریزن در کمیسیون)، مبلغ مورد نیاز برای سال ۱۳۹۰ تقریبا ۳۵ هزار میلیارد تومان خواهد شد. یعنی ما برای ادامه اشتباه و قانون شکنی دولت، حتی اگر یک ریال به تولید ندهیم به دولت و بخش بهداشت و درمان هم ریالی داده نمی‌شود، و تمام صد درصد در آمد را صرف پرداخت نقدی کنیم حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان کسری خواهیم داشت.

بنابر این وقتی پیشنهاد غیر قانونی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند و تنها قانون مصوب خود ما را لگدمال می‌کند، چرا ای بدبهم، به همکارانم گفتم با مردم صادق باشیم، به آنان بگوییم که دولت اشتباه کرده است. دولت قانون شکنی خود را بپذیرد، صادقانه به مردم بگوید که اگر بخواهم مصالح میان مدت و بلندمدت کشور را در نظر بگیرم باید از اشتباه و تخلف خود دست بکشم و طبق تصویب مجلس که واقع بینانه هم هست مبلغ پرداخت نقدی را کم کنم. مگر آنکه مجلس را تحت فشار بگذارم و گرانی شدید ایجاد کنم تا بتوانم پرداخت بیشتری به شما را ممکن سازم و به دنبال آن تورم و بیکاری بیشتر شود. بر خورد صادقانه با ملت اصرار کردم، ولی متأسفانه مجلس به حذف پیشنهاد غیر قانونی کمیسیون تلفیق رای نداد و پیشنهاد به همان شکل که شرح داده شد، تصویب شد. حالا اول دعوی دکتر احمدی‌نژاد با مجلس است که با تلاش می‌کند از طرق غیر قانونی تامین اعتبار کند، که بعدا است دیگر مجلس اجازه بدهد و با او برخورد خواهد کرد، یا با انداختن تقصیرها به گردن مجلس فراقکتی می‌کند، در حالی که پیشنهاد غیر قانونی تصویب شده حاصل توافق دولت و کمیسیون بود و در صحن نیز معاون امور مجلس رییس جمهور آقای میر تاج‌الدینی از آن دفاع کرد. به هر حال پیشنهاد دولت و تصمیم مجلس، هر دو از نظر علمی و قانونی، قابل دفاع نیست و عواقب آن به آسانی چاره پذیر نخواهد بود.

ارزیابی انحلال وزارت نفت و صنایع و ادغام در وزارت نیرو و بازرگانی

کوچک‌ترها، بزرگ‌ترها را بلعیدند



مهربانین

شرق: بحر در کوزه نگنجد؛ شاید این بهترین مصداقی باشد که بتوان تصمیم گرفته شده برای ادغام وزارتخانه‌های بزرگ در وزارتخانه‌های کوچک‌تر را تشریح کرد؛ وزارتخانه‌هایی که خود دو وزارتخانه‌اند و حال قرار است در وزارتخانه‌های دیگری ادغام شوند. می‌گویند وزارت صنایع و معادن در وزارت بازرگانی ادغام خواهد شد و وزارت نفت به نیرو خواهد پیوست. این در حالی است که هنوز یک دهه از عمر ادغام وزارت

معادن و صنایع در یکدیگر نمی‌گذرد و اکنون تصمیم جدیدی برای وزارتخانه‌ای که خود دو وزارتخانه است، گرفته شده و می‌خواهند زیر پرچم وزارت بازرگانی باشد. اتفاقی که نگرانی بزرگی را با بخش صنعت همراه کرده، تجربه اتفاق یا به عبارتی بلایی که بر سر وزارت معادن پس از ادغام با صنایع آمد می‌باشد که جلو چشم منتقدان اجرای چنین تصمیمی است. می‌گویند مبادا صنعت نیز همچون معدن به حاشیه رود و واردات بازار را بگیرد. این نگرانی از سوی دولتی‌ها این گونه پاسخ داده شد که این ادغام صادرات محور خواهد بود و با هدف افزایش صادرات صورت می‌گیرد اما عملکرد وزرای بازرگانی دولت نهم و دهم نشانی از تحقق چنین تصمیم‌هایی را با خود ندارد. در چند

سال گذشته در حالی که تولیدکنندگان از ادامه واردات و کاهش تولید به تنگ آمده بودند و نگرانی از آینده تولید را به تصویر می‌کشیدند، نوسان‌های قیمتی در بازارهای مختلف کشور با واردات تنظیم می‌شد و آمار واردات دو برابری صادرات که هر ماه از سوی گمرک اعلام می‌شود نتیجه آماری عملکرد وزیری است که قرار است بر کرسی وزارتخانه‌ای بنشیند که سه وزارتخانه است و دیدگاه تولیدمحوری ندارد. در این بین نباید

فراموش کرد طی اکثر مهربانین نیز در این سال‌ها کارنامه موفق در بخشی تولید به جا نگذاشته است تا حداقل انتظار داشت، وزیر صنایع بر کرسی این وزارتخانه جدید بنشیند و نسیم‌های کنونی پس از ادغام به تولید شود. مهربان در حال حاضر وزیر را در دوش می‌کشید بارها و با باد شایعه خداحافظی را بر سر خود دید و اعتراضات بسیاری را با خود همراه کرده بود. در این میان برخی از تشکل‌ها از عدم حضور مهربان در جلسات کمیسیون ماده یک و در جریان تصمیم گیری برای تعیین تعرفه‌های واردات گله می‌کردند و می‌گفتند از وزیر انتظار دارند در این جلسات از تولید دفاع کنند. تمام این‌ها عاملی نشده که مهربان‌ان از حضور در کابینه کنار گذاشته شود تا اینکه با مطرح

شدن بحث ادغام، احتمال خداحافظی مهربانین بیش از غنغنغری که در دولت دهم بر کرسی وزارت بازرگانی نشسته بود قوت گرفت. گفته می‌شود ماجرای اختلاف مهربانین با یکی از مقامات ارشد دولتی که مدت‌هاست وجود دارد و این روزها رنگ‌تر نیز شده است خداحافظی وی با وزارتخانه‌ای را رقم زده است. به هر روی تمام شایعاتی که سال‌ها با مهربانین همراهی می‌کرد، این بار واقعیتی را به

نمایش گذاشت. خبر خیلی کوتاه بود و البته نگران‌کننده؛ وزارت صنایع و معادن در وزارت بازرگانی ادغام می‌شود. این خبر تمامی نگرانی‌ها ز به حاشیه رفتن صنعت را به واقعیتی جلوی چشم منتقدان به تصویر کشید. لغو ناگهانی سفر مهربانین به چین که قرار بود یکشنبه شب بر گزار شود، از تطبیق تصمیم برای سرپرستی غنغنغری حکایت می‌کند. می‌گویند، مهربانین رفتنی شد و غنغنغری می‌ماند. در عین حال می‌گویند، به مهربانین، سمت‌های اجرایی در دولت پیشنهاد شده اما تمامی این پیشنهادات شنیده‌هایی است که حتی کارکنان وزارت صنایع و معادن نیز آنها را از طریق خبرگزاری‌ها پیگیری می‌کنند. بر همین اساس در حالی که گفته می‌شود غنغنغری، وزیر بازرگانی و سرپرست وزارت صنایع خواهد بود تا برنامه ادغام پیگیری شود، فاطمی‌امین، معاون مهربانین در این خصوص اعلام کرده که مهربانین هنوز وزیر صنایع و معادن است. وی همچنین اعلام می‌کند که وزارت صنایع تابع مصوبات ادغام است در این میان هر چند هنوز معلوم نیست قرار است چه اتفاقی بیفتد و برنامه ادغام چگونه است، اما وزرای بازرگانی و صنایع در راستای برنامه‌های دولت برای تحقق این هدف از این طرح استقبال کرده‌وه و فارس گفته‌اند، چنانچه این ادغام با نگاه به بازار داخلی و بر

مبنای توسعه صادرات غیر نفتی باشد، به بهر مندی مطلوب از ظرفیت‌های تولیدی و صادراتی و رشد اقتصاد ملی کمک می‌کند. مهدی غنغنغری، وزیر بازرگانی با تأکید بر اینکه بسیاری از کشورها دارای یک وزارتخانه برای مباحث مربوط به بازرگانی (تجارت) و صنعت هستند، می‌گوید: در خصوص ادغام وزارتخانه‌های بازرگانی و صنایع، موضوع سنجیت مطرح نیست که برخی تصور می‌کنند این

دو مجموعه قابل ادغام نیستند بلکه بحث این است که وزارتخانه‌ها بر اساس تقسیم کار وظیفه‌ای چیده شدند و در دنیا هر مرسوم است که وزارتخانه‌ها فرایندها و مجموع‌چند وظیفه را مدیریت کنند. در عین حال اکثر مهربانین، وزیر صنایع و معادن در این خصوص می‌گوید: اصل ادغام وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی اقدام مناسبی است و بنده در طول چهار سال گذشته بارها با رییس جمهوری مذاکره داشته‌ام و نظر خود را در این خصوص اعلام کرده و از آن حمایت کرده‌ام و معتقدم با این ادغام، می‌توانیم به نحوی مطلوب از ظرفیت‌های تولیدی و صادراتی خود استفاده کنیم. به هر روی هر چند دولتی‌ها اصل را بر ادغام و مزایای این امر گذاشته‌اند اما نمی‌توان فراموش کرد که قرار است

وزارتخانه‌های بزرگی در وزارتخانه‌های کوچک‌تر ادغام شوند. وزارت صنایع و معادن که خود دو وزارتخانه است و وزارت نفت که به گفته عماد حسینی، سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس با توجه به زیر مجموعه‌هایی که دارد، گستردگی فعالیت دو وزارتخانه را دراست و رفتن آن به زیر پرچم نیرو ریختن بحر در کوزه است. بیشتر عباد حسینی در گفت‌وگو با «شرق» دلایل دیگری به جز اهداف قانون گذار برای تحقق برنامه پنجم توسعه را پشت پرده ادغام دانسته و گفته بود: با توجه به گستردگی‌ای که دو وزارتخانه دارند، ادغام توجیه مناسبی ندارد و با ادغام وزارتخانه‌های نفت و نیرو با یکدیگر با توجه به گستردگی این دو وزارتخانه یک دولت در دولت تشکیل خواهد شد. اما اکنون این اتفاق افتاده است و با وجود اظهاراتی که در خصوص گستردگی وزارت نفت مطرح می‌شد و این وزارتخانه را دولت کوچکی در دل دولت می‌دانستند قرار است این وزارتخانه بزرگ در وزارت نیرو ادغام شود، میر کاظمی خداحافظی کند و بر اساس آن ماجور بر کرسی دولتی که گفته می‌شود در دولت دهم تشکیل خواهد شد، می‌نشیند. در همین خصوص حسین نجابت، قائم مقام مرکز پژوهش‌های

مجلس با تأکید بر اینکه ادغام یک وزارتخانه در وزارتخانه دیگر بازی با الفاظ است، می‌گوید: باید با ادغام وزارتخانه‌ها یک وزارتخانه جدید با ساختاری که به تصویب مجلس برسد، تشکیل شود، بنابراین وزرای وزارتخانه‌های ادغام شده از سوی دولت همچنان وزیر هستند. به گزارش فارس، این در حالی است که علی ذبیحی، قائم مقام وزیر نیرو و اعلام اینکه با مصوبه دیروز دولت وزیر نفت می‌رود، ادغام وزارت نفت در نیرو

دفاع کرد و گفت: این مهم نیست که وزارت نفت در وزارت نیرو یا بالعکس وزارت نیرو در وزارت نفت ادغام شود، به هر حال این سلیقه رییس جمهوری را می‌رساند. این پایان راه ایهامات ادغام نیست و قرار است وزارت رفاه که چند سال پیش با حواشی بسیاری مبنی بر اینکه در آستانه راه کوچک‌سازی دولت یک وزارتخانه جدید شد و وزیرش

بر کرسی اعضای هیات دولت نشست قرار است با وزارت کار ادغام شود. ادغامی که نامی از دو وزیر کنونی این دو وزارتخانه را با خود همراه نمی‌بیند و شایعه‌ها از نشستن یک وزیر زن دیگر به نام ایردخت عطاریان مدیرعامل کنونی

صندوق بازنشستگی کشوری بر این کرسی حکایت دارد. شایعات ادغام دارد و هنوز از برنامه‌های ادغام و وزیرانی که بر این کرسی می‌نشینند، خبری نیست اما مجلسی‌ها به دولت تذکر داده‌اند که فعالیت وزیران قدیمی در وزارتخانه‌های جدید قانونی نیست. بر همین اساس، حجت‌الاسلام حسین سبحانی نیا عضو هیات رییس‌ه مجلس شورای اسلامی از نامه معاونت نظارت مجلس به دولت برای معرفی وزرای جدید خبر داد و گفت: در جلسه هیات رییس‌ه مقرر شد، مجلس طی تذکری به وزرای وزارتخانه‌های ادغامی اعلام کند استمرار فعالیت آنها در وزارتخانه‌های جدید قانونی نیست.

ادغام نگران‌کننده

نیزتأمین می‌کند.

۷- امید است حتی اگر مجلس نیز با ادغام نفت و نیرو موافقت کند ساختار کنونی شرکت نفت دچار تغییر نشود و امور حاکمیتی وزارت نیرو به وظایف حاکمیتی وزارت نفت و انرژی اضافه نشود و وزارت نیرو به تفکیک بعضی از وظایف مربوط به آب و فاضلاب در وزارت نفت حل شود.

۸- اکنون وزارت نفت با مدیریت آقای دکتر میر کاظمی قدم‌های بزرگی جهت توسعه منابع نفتی و گازی آغاز کرده است و بعد از حضور دو سال، مدیریت‌ها تثبیت شده‌اند و لکوموتیون‌ف‌ت در ذیل حرکت قرار گرفته است و اگر این وزارتخانه مجددا دچار تغییر و تحول شود قطعا اهداف نفت در برنامه پنجم توسعه تحقق نخواهد یافت و قانون نفت نیز که اخیرا مورد تصویب مجلس قرار گرفته است با ادغام وزارت نفت و نیرو بی‌معنی می‌شود.

«عضو هیات رییس‌ه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران

ادغام کار و رفاه؛

مراقب باشیم بیشتر ضرر به نریم

محسن ایزدخواه*

■ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور در مصاحبه کوتاهی با خبرنگاران اعلام کرد که هیات دولت با ادغام وزارتخانه‌های کار و رفاه اجتماعی موافقت کرد و از جزئیات این ادغام و همچنین قانون تشکیل شرح و وظایف آنها که باید از سوی دولت تهیه و براساس برنامه پنجم توسعه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، هیچ خبری منتشر نشده است. طبیعتا تا جزئیات بیشتری از این ادغام منتشر نشود نمی‌توان به طور قاطع سخن گفت اما حسب تجربه و آزمون و خطاهایی که حداقل در چهار دهه اخیر در خصوص ادغام و انتزاع سازمان تامین اجتماعی، صندوق بازنشستگی، صندوق خدمات درمانی با وزارتخانه‌های مختلف صورت گرفته است، می‌توان تا حدودی به عواقب پیامدهای ادغام‌ها و انتزاعات سخن به میان آورد تا بیش از این ضربانی بر پیکره منابع مادی و سرمایه‌های اجتماعی این سازمان‌ها وارد نشود و این یادداشت می‌کوشد تا با توجه به تجربیات جهانی و همچنین چند بار دست به دست شدن نظام تأمین اجتماعی در وزارتخانه‌ها به نکاتی که می‌تواند راهگشای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور باشد، کمک کند.

۱- در خصوص نحوه اداره نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی به‌عکسانی عام و گسترده آن هیچ الگوی مشخص و یکسانی از سوی سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی ارایه نشده است و آنچه که از سوی این نهاد‌های بین‌المللی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، کمیت و کیفیت مناسب ارایه خدمات بیمه‌ای و تأمین اجتماعی در چارچوب مقابله‌نامه‌های بین‌المللی به مردم است. این لحاظ در بسیاری از کشورها نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی به‌طور مستقل یا در قالب یک وزارتخانه اداره می‌شود، همچنان که در بسیاری از کشورهای دیگر این نظام به عنوان یک سازمان وابسته به وزارتخانه‌هایی چون کار، کشور، اقتصاد و دارایی و حتی مسکن فعالیت می‌کنند.

بنابراین، نوع ساختار اداره نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی بستگی به ساختار سیاسی، اجتماعی و حتی متناسب با سطح توسعه یافتگی کشورها هر مرسوم می‌شود. با این‌سوی، هیچ الگوی مشخصی را نمی‌توان از بسیاری نهاد‌های بین‌المللی برای اداره نظام‌های تأمین اجتماعی، به هیچ کشوری دیکته کرد و فقط باید براساس مؤلفه‌هایی که بر شمرده شد، دولت‌ها برای اداره نظام‌های تأمین اجتماعی تصمیم‌گیری کنند.

۲- در ایران بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌ای صندوق تأمین اجتماعی است که تا قبل از سال ۱۳۵۴ وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی بود و از بابت سرپرستی این سازمان توسط وزارت کار یک درصد از درآمد این صندوق به وزارت کار پرداخت می‌شده و صندوق بازنشستگی کشوری که از ابتدا صد درصد دولتی بوده و به نحوی زیر نظر دولت اداره می‌شده است.

در سال ۱۳۵۴ به علت الزاماتی که درخصوص یکپارچه کردن نظام‌های تأمین اجتماعی پیش آمد، این سازمان از وزارت کار منتزع و به وزارت رفاه اجتماعی ملحق شد که پس از انحلال این وزارتخانه، سازمان تأمین اجتماعی از مان تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی زیر نظر وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی اداره می‌شد.

۳- در این فواصل به مناسبت‌های مختلف و گاهی متأثر از یک اندیشه سیاسی و غیر کارشناسی در هر دوره‌ای وزرای کار تلاش می‌کردند که سازمان تأمین اجتماعی را در وزارت کار الحاق کرده که بر بار با دلایل کارشناسی این تصمیم به هنگام طرح در مجلس شورای اسلامی به ناکامی وزیران کار منتج می‌شد.

هر چند که مقوله نظام تأمین اجتماعی به تیر ماه ۱۳۵۴ برمی‌گردد اما در سال ۱۳۸۳ به منظور تحقق اصول ۲۹ و ۳ و ۴۳ قانون اساسی و رهنمودهای مقام معظم رهبری در این زمینه قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و براساس آن وزارت رفاه و تأمین اجتماعی متولی عملیاتی کردن این قانون شد و انتظار دیرینه و برحق ملت شریف ایران به تحقق پیوست به طوری که طی سال‌های ۱۳۸۳ تا امروز شاهد تحولات مثبتی در زمینه تعمیم کمی و کیفی خدمات تأمین اجتماعی بوده‌ایم هرچند که به علت بعضی سوءمدیریت‌ها تا تحقق کامل اهداف تبیین شده فاصله زیادی داریم.

شواهد تجربی و اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که چه قبل از سال ۱۳۵۴ و چه

تا تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، همواره مقوله تأمین اجتماعی در حاشیه دو وزارتخانه کار و بهرداری و به‌زیستی بوده است و به نظر می‌رسد با وجود تمام کاستی‌ها و بی‌تدبیرها از سال ۱۳۸۳ به بعد مجموعه نظام‌های تأمین اجتماعی حرکت‌های به سمت جلویی را